



بررسی تطبیقی بازنمایی تحول شکاف‌های اجتماعی ایران در مطبوعات: تحلیل گفتمان انتقادی چهار رُخداد سیاسی-اجتماعی (۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸، ۱۴۰۱)

محمدباقر خرمشاد^۱، مهدی رجیبی^۲

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی بازنمایی تحول شکاف‌های اجتماعی ایران در چهار روزنامه‌ی کیهان، رسالت، اعتماد و شرق طی چهار رخداد مهم سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ انجام شده است. داده‌های تحقیق شامل مجموعه‌ای از متون مطبوعاتی (سرمقاله، گزارش و یادداشت تحلیلی) است که به صورت هدفمند و بر اساس پیوند مستقیم با این رخدادها گردآوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد روزنامه‌های کیهان و رسالت شکاف‌های اجتماعی را ذیل گفتمان صیانت از نظام، انسجام ملی و امنیت سیاسی بازنمایی کرده‌اند. در این گفتمان، واژگان «فتنه»، «اغتشاش»، «دشمن»، «نفوذ» و «جنگ ترکیبی» برجسته است و هدف اصلی، تأکید بر حفظ ثبات و جلوگیری از واگرایی اجتماعی است. در مقابل، روزنامه‌های اعتماد و شرق شکاف‌های اجتماعی را در چارچوب نارسایی ارتباط دولت و جامعه و کاهش اعتماد عمومی تبیین کرده‌اند. در این گفتمان، مفاهیمی چون «اعتماد اجتماعی»، «اعتراض مدنی»، «گفت‌وگوی ملی» و «اصلاح درون‌ساختاری» پررنگ است و تمرکز بر بازسازی سرمایه‌ی اجتماعی و ترمیم رابطه‌ی دولت و جامعه دارد. نتایج تطبیقی نشان می‌دهد در طول این دوره، محور معنایی از بازنمایی تقابلی و سیاسی (۱۳۸۸) به سوی بازنمایی اجتماعی و فرهنگی (۱۴۰۱) تغییر یافته است. هر دو جریان مطبوعاتی، در عین تفاوت در زبان و رویکرد، بر ضرورت حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از گسترش بحران تأکید داشته‌اند. این پژوهش با تکیه بر تحلیل داده‌های مطبوعاتی و بدون بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری بیرونی، تصویری داده‌محور و عینی از روند تحول بازنمایی شکاف‌های اجتماعی در میدان رسانه‌ای ایران ارائه می‌دهد.

واژگان اصلی: شکاف اجتماعی، مطبوعات ایران، گفتمان صیانت از نظام، گفتمان اعتماد اجتماعی، بازنمایی رسانه‌ای.

مقدمه

شکاف‌های اجتماعی از بنیادی‌ترین مفاهیم در سپهر جامعه‌شناسی سیاسی به‌شمار می‌آیند و به گسست‌های پایدار و ساختاری میان گروه‌ها و اقشار اجتماعی در دسترسی به منابع قدرت، سرمایه‌های اقتصادی و نمادین، منزلت اجتماعی و فرصت‌های مشارکت سیاسی اشاره دارند (Lipset & Rokkan, 1967). این شکاف‌ها، متأثر از زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، نسلی، مذهبی و سیاسی، در طول زمان می‌توانند عمق یابند و پیامدهایی چون نابرابری ساختاری، طرد اجتماعی، گسست هویتی و در نهایت، بروز منازعات و بحران‌های اجتماعی را به همراه داشته باشند (Giddens, 2009). تجربه‌های تاریخی جوامع نشان می‌دهد که شکاف‌های اجتماعی همواره بستر خیزش اعتراضات، جنبش‌های اجتماعی و تحولات سیاسی بوده‌اند و هرگاه این شکاف‌ها با مؤلفه‌های هویتی یا ایدئولوژیک هم‌پوشانی یافته‌اند، توان بالقوه‌ای برای ایجاد بحران‌های عمیق‌تر داشته‌اند.

در سطح جهانی، شواهد متعددی مؤید آن است که حتی جوامع توسعه‌یافته و برخوردار از نهادهای مدنی تثبیت‌شده نیز از پیامدهای این شکاف‌ها مصون نیستند. اعتراضات گسترده علیه نابرابری اقتصادی در قالب جنبش «اشغال وال استریت» در ایالات متحده، جنبش «جلیقه‌زرها» در فرانسه و اعتراضات ضدنژادپرستی با شعار «جان سیاه‌پوستان اهمیت دارد» در سال‌های اخیر، نشان‌دهنده پویایی دائمی شکاف‌های اجتماعی و ظرفیت آن‌ها برای بازتعریف مناسبات قدرت و نظم اجتماعی‌اند (Tilly, 2004). در این میان، رسانه‌ها و به‌ویژه مطبوعات، نه تنها بازتاب‌دهنده تحولات اجتماعی‌اند، بلکه به‌مثابه کنشگران فعال در میدان قدرت، با چارچوب‌سازی و روایت‌پردازی خود، نقش مؤثری در بازتولید یا تعدیل شکاف‌های اجتماعی ایفا می‌کنند (Van Dijk, 2008).

در جوامعی مانند ایران که ساختار اجتماعی و سیاسی آن در گذر چهار دهه‌ی اخیر دستخوش تحولات سریع فرهنگی، نسلی و ارتباطی بوده است، شکاف‌های اجتماعی به‌ویژه در عرصه‌ی رسانه‌ای به یکی از شاخص‌ترین شاخص‌های فهم تحولات سیاسی و اجتماعی تبدیل شده‌اند. مطبوعات ایران در بزنگاه‌های بحرانی، از جمله در رخداد‌های سیاسی - اجتماعی سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱، میدان اصلی تلاقی گفتمان‌ها و بازنمایی این شکاف‌ها بوده‌اند (دمیرچی و همکاران، ۱۳۹۶).

یکی از ابعاد کمتر واکاوی‌شده در این رخدادها، نحوه بازنمایی شکاف‌های اجتماعی در مطبوعات کشور است. مطبوعات، به‌مثابه رکن اصلی ارتباطات سیاسی و تولید گفتمان در سپهر عمومی، نقشی دو

وجهی دارند: از یک سو بازتاب‌دهنده دیدگاه‌ها، مطالبات و نگرانی‌های لایه‌های اجتماعی‌اند و از سوی دیگر، با گزینش واژگان، برجسته‌سازی ابعاد خاص و چارچوب‌بندی روایی رخدادها، در شکل‌دهی ادراک عمومی و جهت‌گیری افکار عمومی نقش آفرینی می‌کنند (McQuail, 2010). این نقش دوگانه با نظریه قدرت نمادین بوردیو هم‌خوان است؛ جایی که رسانه‌ها نه صرفاً کانال اطلاع‌رسانی بلکه بخشی از سازوکار مشروعیت‌سازی یا سلب مشروعیت در جامعه محسوب می‌شوند (Bourdieu, Thompson & Raymond, 2003)

تحلیل علمی این بازنمایی‌ها چند دستاورد مهم دارد. نخست آن‌که نسبت میان رسانه و ساختار اجتماعی قدرت را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد کنش‌های ارتباطی چگونه می‌توانند به تثبیت نظم اجتماعی یا تشدید گسست‌ها بینجامند (Castells, 2013). دوم آنکه بازخوانی تطبیقی این بازنمایی‌ها در ادوار زمانی مختلف، امکان شناسایی الگوهای پایدار و تحولات گفتمانی در سپهر رسانه‌ای کشور را فراهم می‌آورد (بشیر و حاتمی، ۱۳۹۲). سوم آنکه چنین تحلیلی می‌تواند برای سیاست‌گذاران رسانه‌ای و فرهنگی، در مدیریت بحران‌های اجتماعی و تقویت همبستگی ملی، داده‌های راهبردی ارزشمندی تولید کند (Habermas, 2001)

هر یک از چهار رخداد پیش گفته به گونه‌ای بیانگر مرحله‌ای از تحول در شکاف‌های اجتماعی ایران محسوب می‌شوند. در ۱۳۸۸، شکاف‌ها بیش از هر چیز جنبه‌ی سیاسی و مشروعیتی داشتند؛ در ۱۳۹۶، بُعد اقتصادی و معیشتی پررنگ‌تر شد؛ در ۱۳۹۸، شکاف طبقاتی و اجتماعی برجسته گردید؛ و در ۱۴۰۱، شکاف‌ها به حوزه‌های هویتی و فرهنگی گسترش یافتند. این تغییرات، تنها دگرگونی در موضوعات اجتماعی نیست، بلکه نشانگر تحول گفتمانی در شیوه‌ی بازنمایی واقعیت اجتماعی توسط مطبوعات است. مطبوعات ایران، بسته به موضع گفتمانی خود، در مواجهه با این شکاف‌ها از دو منطق عمده پیروی کرده‌اند:

❖ منطق اقتدارمحور که بر امنیت، ثبات و مشروعیت نظام تأکید دارد؛

❖ منطق اصلاح‌محور درون‌ساختاری که بر گفت‌وگو، اعتمادسازی و بازسازی مشروعیت اجتماعی تمرکز دارد.

در واقع، تفاوت اصلی میان روزنامه‌های اصول‌گرا (مانند کیهان و رسالت) و روزنامه‌های اصلاح‌طلب (مانند اعتماد و شرق) نه صرفاً در بیان موضوعات، بلکه در نحوه‌ی بازنمایی و معنابخشی به شکاف‌ها است. هر چهار روزنامه در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی عمل می‌کنند، اما از مسیرهای واژگانی و روایت‌های متفاوت به بازنمایی تحولات اجتماعی می‌پردازند. پرسش محوری این پژوهش آن است که:

از منظر تطبیقی، مطبوعات ایران در چهار رخداد سیاسی - اجتماعی ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱،

شکاف‌های اجتماعی را چگونه بازنمایی کرده‌اند و این بازنمایی‌ها در گذر زمان چه تحول‌گفتمانی را تجربه کرده است؟

پژوهش حاضر در پی آن است که با اتکا بر تحلیل گفتمان انتقادی، نشان دهد چگونه مطبوعات ایران در گذر این چهارده سال، از بازنمایی دوگانه‌ساز شکاف‌ها (ما/آن‌ها) به سمت گفتمان‌های چندصدایی‌تر و اجتماعی‌تر حرکت کرده‌اند؛ گفتمان‌هایی که در آن، زبان رسانه‌ای از انحصار سیاست به حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی نفوذ یافته است.

اهمیت این پژوهش از آن جهت است که به‌جای تمرکز بر یک شکاف خاص، تحول کلی گفتمان مطبوعاتی در بازنمایی چهار نوع شکاف اجتماعی را بررسی می‌کند و از این رهگذر، تداوم‌ها و گسست‌های معنایی در گفتمان رسانه‌ای ایران را آشکار می‌سازد. بدین‌سان، مطالعه‌ی حاضر نه صرفاً بازتاب رویدادها، بلکه تحلیل مسیر تحول معنا در میدان رسانه‌ای ایران است.

مبانی نظری

پدیده‌ی شکاف‌های اجتماعی در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی، یکی از عناصر بنیادین برای تبیین تحولات اجتماعی و سیاسی است. شکاف اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که گروه‌های مختلف جامعه، بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی، مذهبی یا سیاسی، در دستیابی به منابع قدرت، سرمایه‌های نمادین و اقتصادی، منزلت اجتماعی و فرصت‌های مشارکت، دچار تمایزهای پایدار و معنادار شوند (Lipset & Rokkan, 1967). این تمایزها، هرگاه با متغیرهای هویتی و ارزشی هم‌پوشانی یابند، می‌توانند به تضادهای اجتماعی ساختاری و در نهایت به بروز بحران‌های سیاسی یا منازعات پایدار بینجامند (Giddens, 2009).

در ایران معاصر، ساختار اجتماعی چندلایه و متکثر، زمینه‌ی شکل‌گیری طیف متنوعی از شکاف‌ها را فراهم کرده است. شکاف‌های طبقاتی، در پیوند با تحولات اقتصادی و سیاست‌های بازتوزیعی، از اصلی‌ترین عوامل بازتولید نارضایتی اجتماعی به شمار می‌روند. شکاف‌های فرهنگی و نسلی نیز، تحت تأثیر فرآیندهای جهانی‌شدن فرهنگی، توسعه‌ی آموزش عالی و گسترش رسانه‌های دیجیتال، آشکار شده‌اند (Inglehart, Norris, 2019). شکاف‌های مذهبی و قومی، هرچند در بسیاری موارد بالقوه و قابل مدیریت باقی مانده‌اند، اما در شرایط خاص می‌توانند به کانون‌های فعال منازعه‌ی اجتماعی و سیاسی بدل شوند (Huntington, 2011). این تنوع و هم‌پوشانی، موجب می‌شود که رخدادهای اجتماعی و سیاسی در ایران، غالباً محصول تعامل هم‌زمان چندین گسل ساختاری باشند (دمیرچی و همکاران، ۱۳۹۶).

مطبوعات به‌مثابه یکی از مهم‌ترین نهادهای سپهر عمومی و ابزارهای بازتولید گفتمان، نقشی تعیین‌کننده در بازنمایی و معناسازی پیرامون شکاف‌های اجتماعی دارند. رسانه‌ها از طریق فرایندهایی همچون چارچوب‌سازی، برجسته‌سازی و روایت‌پردازی رسانه‌ای، واقعیت‌های اجتماعی را نه به‌شکل خشی، بلکه در قالب قرائتی‌گزینشی و معنادار عرضه می‌کنند (McCombs, Valenzuela, 2021). از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، رسانه‌ها نه صرفاً ابزارهای اطلاع‌رسانی، بلکه کنشگران قدرت نمادین‌اند که با مشروعیت‌بخشی به نهادها، بازتولید روابط قدرت و حتی تقویت یا تضعیف انسجام اجتماعی نقش آفرینی می‌کنند (Van Dijk, 2008).

بررسی پژوهش‌های صورت گرفته، نشان می‌دهد که رابطه‌ی میان رسانه‌ها و شکاف‌های اجتماعی، محور مطالعات متعددی بوده است. در سطح جهانی، مطالعات نشان می‌دهند که رسانه‌ها با بازنمایی قالبی و کلیشه‌ای گروه‌های اجتماعی، قادرند به تعمیق نابرابری‌ها یا در مقابل، به تقویت همبستگی اجتماعی منجر شوند (Tilly, 2004). همچنین، گزینش‌گری خبری و بازتولید قطبی‌شدن، می‌تواند نظم اجتماعی و انسجام جمعی را با تهدید مواجه سازد (Cinelli, De Francisci Morales, Quattrociocchi, Starnini, 2021). این یافته‌ها به‌خوبی با مبانی جامعه‌شناسی سیاسی درباره‌ی نقش رسانه‌ها در مدیریت یا تشدید شکاف‌های اجتماعی هم‌راستا است.

در نظریه‌ی فیرکلاف، زبان رسانه‌ای بخشی از ساختار قدرت نمادین است و بازنمایی‌های رسانه‌ای از طریق تولید زنجیره‌های هم‌ارز و تضاد، معناهای خاصی را در ذهن مخاطب تثبیت می‌کنند. در این رویکرد، هر تغییر در واژگان و ساخت‌های زبانی، بازتابی از جابجایی در منطق قدرت و مشروعیت است (Fairclough, 2023). از همین منظر، بررسی شکاف‌های اجتماعی در مطبوعات ایران به‌مثابه بررسی چگونگی تحول در منطق مشروعیت سیاسی و اجتماعی کشور است.

در تکمیل این رویکرد، بوردیو با طرح نظریه‌ی میدان رسانه‌ای، رسانه‌ها را نه به‌عنوان ابزار انتقال پیام، بلکه به‌عنوان میدانی از قدرت نمادین تعریف می‌کند که در آن کنشگران مختلف (روزنامه‌ها، نویسندگان و نهادهای سیاسی) برای کسب سرمایه‌ی نمادین و هژمونی گفتمانی رقابت می‌کنند (Bourdieu, Raymond, Thompson, 2003). بر اساس این منطق، هر روزنامه متناسب با موقعیت خود در میدان رسانه‌ای، از استراتژی‌ی واژگانی و چارچوب‌بندی خاصی برای بازنمایی شکاف‌ها بهره می‌گیرد.

1. Framing.

2. Agenda-setting.

همچنین از منظر نظریه‌ی سرمایه اجتماعی پاتنام، تضعیف اعتماد عمومی و کاهش ارتباط میان دولت و جامعه می‌تواند زمینه‌ساز تشدید شکاف‌های اجتماعی شود. اگر رسانه‌ها به جای بازسازی اعتماد، با زبان تقابلی و قطبی‌کننده عمل کنند، نقش آنان از عامل ترمیم به عامل تشدید و اگرایی تغییر می‌یابد. اما اگر رسانه‌ها زبان گفت‌وگومدار و تبیینی اتخاذ کنند، به بازسازی مشروعیت اجتماعی کمک می‌کنند (Putnam, 2007)

در چارچوب جامعه‌شناسی سیاسی ایران، مفهوم شکاف‌های اجتماعی با پیچیدگی خاصی همراه است؛ زیرا در این جامعه، شکاف‌ها نه تنها ریشه در ساخت طبقاتی، فرهنگی و نسلی دارند، بلکه در بستر گفتمان انقلاب اسلامی بازتعریف می‌شوند. از این منظر، مطبوعات ایران بخشی از گفتمان انقلاب‌اند که درون آن، درباره‌ی نحوه‌ی فهم و بازنمایی تحولات اجتماعی اختلاف دیدگاه وجود دارد.

بر این اساس، چارچوب نظری این پژوهش تلفیقی از سه رویکرد مکمل است:

- ❖ نظریه شکاف‌های اجتماعی لپیست و روکان برای تحلیل ریشه‌های ساختاری شکاف‌ها؛
- ❖ تحلیل گفتمان انتقادی ون‌دایک و فیرکلاف برای تبیین سازوکار بازنمایی شکاف‌ها در زبان رسانه‌ای؛
- ❖ نظریه میدان رسانه‌ای بوردیو و سرمایه اجتماعی پاتنام برای تبیین جایگاه رسانه در بازتولید یا تعدیل شکاف‌ها در سطح اجتماعی.

ترکیب این سه رویکرد به پژوهش امکان می‌دهد تا شکاف‌های اجتماعی را به مثابه پدیده‌ای چندسطحی - ساختاری، گفتمانی و ارتباطی - تحلیل کند و از رهگذر آن، تحول گفتمان رسانه‌ای ایران را در گذر زمان آشکار سازد.

پیشینه تحقیق

در مرور پژوهش‌های پیشین، اغلب مطالعات ایرانی به بررسی یکی از انواع شکاف‌های اجتماعی (سیاسی یا طبقاتی) در بازه‌ای محدود پرداخته‌اند. پژوهش بشیر و حاتمی با تمرکز بر تحلیل گفتمان سرمقاله‌های مطبوعات در حوادث ۱۳۸۸ (بشیر و حاتمی، ۱۳۹۲)، و تحقیق دمیرچی و همکاران درباره‌ی بازنمایی جامعه مدنی در مطبوعات، هر دو بر وجود تقابل گفتمان‌های رسمی و انتقادی تأکید کرده‌اند (دمیرچی و همکاران، ۱۳۹۶). با این حال، هیچ‌یک به مقایسه‌ی تطبیقی چهار رخداد و تحول معنایی شکاف‌ها نپرداخته‌اند.

در حوزه‌ی بین‌المللی، کاستلز با مفهوم «قدرت ارتباطات» نشان داد که شبکه‌های رسانه‌ای میدان اصلی بازتعریف قدرت و هویت در جوامع مدرن‌اند (Castells, 2013) همچنین نوریس و اینگلههارت

با طرح نظریه‌ی «بازخورد فرهنگی» تأکید می‌کنند که قطبی‌سازی رسانه‌ای می‌تواند شکاف‌های اجتماعی را به سطح هویتی و فرهنگی منتقل کند (Inglehart, Norris, 2019). بنابراین، خلأ پژوهش‌های داخلی در بررسی تطبیقی و طولی بازنمایی شکاف‌های اجتماعی در مطبوعات ایران، ضرورت انجام این تحقیق را توجیه می‌کند. مطالعه‌ی حاضر کوشیده است با تکیه بر داده‌های واقعی مطبوعاتی، مسیر تحول گفتمان رسانه‌ای را در بازنمایی شکاف‌های اجتماعی ایران طی دوره‌ی ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ آشکار سازد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و در قالب بررسی تطبیقی گفتمان مطبوعات ایران انجام شده است. در چنین رویکردی، هدف پژوهش نه صرفاً توصیف داده‌ها، بلکه کشف الگوهای معنایی و گفتمانی در نحوه‌ی بازنمایی شکاف‌های اجتماعی در مطبوعات ایران است. روش مورد استفاده، تحلیل گفتمان انتقادی تطبیقی^۱ است که با تحلیل مضمون^۲ تلفیق شده است تا امکان واکاوی ساختارهای زبانی، گفتمانی و اجتماعی متن فراهم گردد.

۱. جامعه و نمونه پژوهش

جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی متون مطبوعاتی منتشرشده در چهار روزنامه‌ی کیهان، رسالت، اعتماد و

شرق درباره‌ی چهار رخداد سیاسی - اجتماعی مورد نظر است:

- رخداد سیاسی ۱۳۸۸،
- ناآرامی‌های ۱۳۹۶،
- اعتراضات آبان‌ماه ۱۳۹۸،
- تحولات اجتماعی سال ۱۴۰۱.

این چهار رخداد به عنوان مقاطع کلیدی بروز و بازنمایی شکاف‌های اجتماعی در رسانه‌ها انتخاب شده‌اند؛ زیرا هر یک مرحله‌ای از تحول گفتمانی در نسبت جامعه و حاکمیت را نشان می‌دهد.

روش نمونه‌گیری پژوهش هدفمند^۳ است. متونی انتخاب شده‌اند که بیشترین ارتباط معنایی و

1. Comparative Critical Discourse Analysis.

2. Thematic Analysis.

3. Purposeful Sampling.

گفتمانی را با مفاهیم شکاف اجتماعی، اعتراض، مشروعیت، اعتماد عمومی و انسجام ملی داشته باشند. به بیان دیگر متونی انتخاب شدند که بازتاب‌دهنده شکاف‌های اجتماعی و حامل الگوهای گفتمانی شاخص باشند (Patton, 2015) این نوع نمونه‌گیری امکان می‌دهد پژوهشگر مواردی را انتخاب کند که بیشترین ظرفیت برای آشکارسازی ابعاد گفتمانی مسئله را دارند و بنابر این عمق تحلیلی داده‌ها تضمین می‌شود (Ormston, Ritchie, Lewis, McNaughton Nicholls, 2014) حجم نمونه به‌گونه‌ای تعیین شد که ضمن پوشش تنوع ژانری و محتوایی، امکان تحلیل عمیق و مقایسه تطبیقی فراهم گردد. معیار انتخاب شامل موارد زیر بوده است:

- تعلق متن به یکی از چهار روزنامه‌ی منتخب،
- ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با رخداد‌های چهارگانه،
- قابلیت استخراج واحدهای معنایی برای تحلیل مضمون و گفتمان.

متون انتخابی شامل سرمقاله‌ها، یادداشت‌های تحلیلی، گزارش‌های سیاسی و پرونده‌های ویژه‌ی مطبوعاتی است که از طریق پایگاه‌های رسمی، نسخه‌های دیجیتال و آرشیو چاپی گردآوری و در یک بانک داده‌ی متنی سازمان‌دهی شده‌اند.

۲. طرح مقایسه‌ای پژوهش

در راستای پاسخ به پرسش اصلی، پژوهش بر اساس دو سطح مقایسه و تطبیق طراحی شده است: الف) مقایسه درون‌روزنامه‌ای: بررسی تحول گفتمان هر روزنامه در بازنمایی شکاف‌های اجتماعی در گذر چهار رخداد. این سطح نشان می‌دهد که هر رسانه در گذر زمان چگونه از یک منطق معنایی به منطق دیگر حرکت کرده است.

ب) مقایسه میان‌روزنامه‌ای: مقایسه‌ی تطبیقی میان چهار روزنامه در هر رخداد و در مجموع دوره‌ی زمانی مورد نظر. در این سطح، الگوهای مشترک و متمایز در بازنمایی شکاف‌ها شناسایی و تحلیل شده‌اند. این دو سطح مقایسه به پژوهش امکان می‌دهد تا هم «تحول درون‌گفتمانی» و هم «تفاوت بین‌گفتمانی» را در مطبوعات ایران آشکار کند و از طریق آن، مسیر دگردیسی معنایی در بازنمایی شکاف‌های اجتماعی را ترسیم نماید.

۳. ابزار گردآوری و مراحل تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها در دو گام اصلی انجام شده است:

گام نخست: تحلیل مضمون

در این مرحله، واحدهای معنایی از متن استخراج و در سه سطح سازمان‌دهی شدند:

- مضامین پایه: گزاره‌ها و واژگان کلیدی برگرفته از متون مطبوعاتی (مانند فتنه، اعتراض مدنی، بی‌عدالتی، فساد، سبک زندگی و غیره).
- مضامین سازمان‌دهنده: خوشه‌بندی مضامین پایه در قالب حوزه‌های گفتمانی چون «مشروعیت سیاسی»، «عدالت اجتماعی»، «دین و هویت» و «فرهنگ عمومی».
- مضامین فراگیر: پیوند مضامین سازمان‌دهنده در سطح کلان و استخراج گفتمان‌های غالب مانند «گفتمان صیانت از نظام»، «گفتمان عدالت‌خواهی»، «گفتمان دینداری اجتماعی» و «گفتمان سبک زندگی». این لایه‌بندی سه‌سطحی امکان ترسیم شبکه معنایی بازنمایی شکاف‌های اجتماعی در مطبوعات را فراهم ساخت (Clarke, Braun, 2022).

گام دوم: تحلیل گفتمان انتقادی

در مرحله‌ی دوم، بر اساس الگوی سه‌سطحی ون‌دایک و فیرکلاف، هر متن در سه سطح مورد تحلیل قرار گرفت:

- سطح خرد: بررسی واژگان، نام‌گذاری کنشگران، صفات و افعال توصیفی که به بازنمایی گروه‌ها و کنش‌ها شکل داده‌اند.
- سطح کلان: تحلیل روایت‌های کلی، سازوکارهای تقابل، و چارچوب‌بندی‌های معنایی در متون.
- سطح اجتماعی: تفسیر نقش بازنمایی رسانه‌ای در بازتولید یا تعدیل شکاف‌های اجتماعی و نسبت آن با ساخت قدرت و انسجام اجتماعی (Fairclough, 2023) و پیوند تحلیل‌های زبانی با ساختارهای کلان قدرت، مشروعیت و اعتماد اجتماعی.

برای افزایش اعتبار یافته‌ها از روش مثلث‌سازی (Triangulation) داده‌ها و منابع بهره گرفته شد؛ بدین معنا که مضامین استخراج‌شده با ارجاعات متقاطع میان متون مختلف و نیز با بازخوانی پژوهش‌های پیشین هم‌سنجی شدند (Guba, Lincoln, 1985)

۴. ملاحظات پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی بی‌طرفانه و در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی اجرا شده است. هدف، داوری یا قضاوت سیاسی درباره‌ی رسانه‌ها نیست، بلکه فهم علمی سازوکارهای معنایی مطبوعات در بازنمایی شکاف‌های اجتماعی است. تمام داده‌ها از متون واقعی مطبوعاتی برگرفته شده و از هرگونه تفسیر ارزشی یا جانبداری جناحی پرهیز گردیده است.

این روش‌شناسی، بستر لازم برای تحلیل دقیق تحول‌گفتمانی مطبوعات در بازنمایی چهار نوع شکاف اجتماعی (سیاسی، طبقاتی، مذهبی و فرهنگی) را فراهم ساخته و زمینه را برای مقایسه‌ی تطبیقی در سطح کلان مهیا می‌سازد.

با توجه به ماهیت کیفی این پژوهش و استناد آن به داده‌های مطبوعاتی، منابع روزنامه‌ای مورد استفاده به‌مثابه داده‌های میدانی پژوهش تلقی می‌شوند که از تحلیل نظام‌مند فصل چهارم رساله دکتری نویسنده با عنوان «بازنمایی تحول شکاف‌های اجتماعی ایران در آینه مطبوعات طی رخدادهای ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱» استخراج شده‌اند. از آنجا که حجم این داده‌ها گسترده و دربرگیرنده ارجاعات متعدد به چهار روزنامه‌ی اصلی کشور است، به‌منظور پرهیز از اطاله‌ی فهرست منابع و حفظ انسجام صوری مقاله، ارجاعات مطبوعاتی علاوه بر درج در انتهای مقاله تحت عنوان منابع مطبوعاتی (داده‌های میدانی پژوهش)، در قالب پانویس نیز در ذیل هر بخش درج شده‌اند. این ارجاعات شامل اطلاعات دقیق روزنامه، تاریخ انتشار و عنوان مطلب بوده و به‌عنوان شواهد میدانی تحلیل مضمون مورد استفاده قرار گرفته‌اند. منابع نظری و کتابخانه‌ای مقاله نیز مطابق با شیوه‌نامه APA در فهرست نهایی آورده شده‌اند.

یافته‌ها و تحلیل‌ها

یافته‌های پژوهش بر مبنای دو رهیافت تحلیل مضمون و تحلیل گفتمان انتقادی متون مطبوعاتی چهار روزنامه‌ی کیهان، رسالت، اعتماد و شرق در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ سامان یافته‌اند. تحلیل‌ها در چهار حوزه‌ی اصلی شکاف‌های اجتماعی (سیاسی، طبقاتی، مذهبی و فرهنگی) و با رویکرد روزنامه‌محور انجام گرفته است.

۱. روزنامه‌ی کیهان: بازنمایی شکاف‌های اجتماعی در چارچوب گفتمان صیانت از نظام
در گفتمان روزنامه‌ی کیهان، شکاف‌های اجتماعی - از سیاسی تا فرهنگی - عمدتاً در چارچوب گفتمان صیانت از نظام و تقویت انسجام ملی بازنمایی شده‌اند. این روزنامه در هر چهار رخداد، علاوه بر توجه به عوامل داخلی بحران، تحولات اجتماعی را بخشی از جنگ ترکیبی دشمن و تلاش برای تضعیف اقتدار سیاسی کشور معرفی کرده است.

در رخداد ۱۳۸۸، با تأکید بر مشروعیت انتخاباتی، قانون‌گرایی و ضرورت حفظ نظم اجتماعی،

شکاف سیاسی را در قالب مفاهیمی چون «فتنه»، «انحراف»،^۱ و «براندازی نرم» بازنمایی نمود. در ۱۳۹۶، با برجسته‌سازی مؤلفه‌های اقتصادی، «شکاف طبقاتی» علاوه بر عملکرد دولت در افزایش شکاف این موضوع به مثابه ابزار تحریک افکار عمومی از سوی بیگانگان توصیف گردید. در ۱۳۹۸، با تأکید بر «توطئه در قالب مطالبات معیشتی»^۲، این شکاف در پیوند با نفوذ اقتصادی و «سوءاستفاده دشمن» بازنمایی شد. در ۱۴۰۱، شکاف‌های مذهبی و فرهنگی در قالب جنگ شناختی، «تهاجم فرهنگی»^۳ و «تحریف ارزش‌ها»^۴ معنا یافته‌اند.

در سطح خرد زبانی، کیهان از واژگان (ما/آن‌ها) بهره گرفته و از طریق غیریت‌سازی، مرز میان نیروهای خودی و دشمن را تثبیت کرده است. در سطح کلان، روایت اصلی بر محور «حفظ نظم و مشروعیت نظام» استوار است، و در سطح اجتماعی، این روزنامه خود را حافظ ثبات و انسجام ملی معرفی می‌کند.

۲. روزنامه‌ی رسالت: گفتمان نظم، عقلانیت و عدالت‌محوری

روزنامه‌ی رسالت در مواجهه با شکاف‌های اجتماعی، گرچه در چارچوب گفتمان رسمی حرکت می‌کند، اما با زبانی متعادل‌تر و مصلحت‌محورتر از کیهان سخن می‌گوید. این روزنامه از مفاهیمی چون «عقلانیت»^۵، «مدیریت بحران»^۶ و «عدالت در سیاست‌گذاری»^۷ استفاده کرده و کوشیده است میان

^۱ روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۱۶، «ساختار و سازمان فتنه اخیر»

^۲ همان، ۱۳۹۸/۱/۲۲، «تیغ دولت اصلاحات بر گلوی دیانت»

^۳ همان، ۱۳۸۷/۱۱/۱، «جزئیات تازه از فعالیت شبکه براندازی نرم»

^۴ همان، ۱۳۹۶/۷/۳۰، «شکاف طبقاتی به بدترین وضعیت دهه اخیر رسید»

^۵ همان، ۹۸/۱۱/۲۴، «بازار محتاج نظارت؛ دولت همچنان مشغول حاشیه‌سازی»

^۶ همان، ۱۳۹۸/۱۰/۴، «برنامه بلوا حتی به قیمت جان ۱۵۰ هزار نفر»

^۷ همان، ۱۴۰۱/۲/۲۰، «مشکل فضای فرهنگی - اجتماعی ما کجاست؟»

^۸ همان، ۱۴۰۱/۲/۳۱، «تئاتر امروز ایران با فرهنگ دینی چه نسبتی دارد؟»

^۹ همان، ۱۳۹۸/۲/۱۴، «صف مبارزه با جمهوری اسلامی و شیر تو شیر سکولاریسم سیاسی»

^{۱۰} روزنامه رسالت، ۱۳۸۸/۱۲/۲۲، «ابهام مفهومی و تناقض تحلیلی»

^{۱۱} همان، ۱۳۹۸/۸/۲۸، «اعتراض قربانی آشوب»

^{۱۲} همان، ۱۳۸۸/۳/۲۱، «انتخابات و خیر عمومی»

«صیانت از نظام» و «پاسخ‌گویی به مردم» تعادل برقرار کند.

در ۱۳۸۸، رسالت بر «لزوم قانون‌گرایی»^۳ و «پابندی به مسیر قانونی اعتراض»^۴ تأکید داشت. در ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸، شکاف طبقاتی را واقعی اما قابل حل از طریق «تدبیر و اصلاح اقتصادی» معرفی کرد. در ۱۴۰۱، در برابر شکاف‌های مذهبی و فرهنگی، رسالت بر «لزوم تبیین عقلانی مسائل اجتماعی»^۵ «تقویت ایمان عمومی»^۶ و همدلی میان مردم و مسئولان تمرکز داشت.

در سطح زبانی، رسالت از واژگان میانجی‌گرانه و غیرتقابل بهره گرفته است. در سطح کلان، گفتمان آن نوعی مشروعیت اخلاقی را بازنمایی می‌کند که بر مسئولیت نخبگان سیاسی در برابر جامعه تأکید دارد. در سطح اجتماعی، این روزنامه نقش خود را پلی میان حاکمیت و مردم دانسته و بر اصلاحات تدریجی و درون‌ساختاری تأکید کرده است.

۳. روزنامه‌ی اعتماد: گفتمان اصلاح درون‌ساختاری و اعتماد اجتماعی

در گفتمان روزنامه‌ی اعتماد، شکاف‌های اجتماعی در هر چهار رخداد، در چارچوب «نارسایی در ارتباط متقابل دولت و جامعه»^۷ بازنمایی شده‌اند. این روزنامه شکاف سیاسی را به «فقدان گفت‌وگو»^۸ شکاف طبقاتی را به «بی‌عدالتی ساختاری»^۹، شکاف مذهبی را به «فقدان بازخوانی اجتماعی دین»^{۱۰} و شکاف فرهنگی را به «فاصله‌ی نسلی و ارتباطی»^{۱۱} نسبت داده است.

در رخداد ۱۳۸۸، این روزنامه با طرح پرسش از شفافیت انتخاباتی، بر بحران اعتماد سیاسی و

^۱ همان، ۱۳۹۶/۱۲/۱۵، «برای مدیریت فضای مجازی چه کرده‌ایم»

^۲ همان، ۱۳۹۶/۵/۱، «لزوم تغییر اساسی در نحوه کنش جریان اصولگرایی»

^۳ همان، ۱۳۹۸/۳/۲۴، «بازخوانی تحولات دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری»

^۴ همان، ۱۳۹۸/۲/۶، «توبه سران فتنه»

^۵ همان، ۱۳۸۷/۱۲/۴، «طرح تحول اقتصادی شکاف طبقاتی را کاهش می‌دهد»

^۶ همان، ۱۴۰۱/۹/۲۶، «پابندی به ارزش حجاب جزئی از هویت نهضت اسلامی است»

^۷ همان، ۱۴۰۱/۵/۹، «حجاب زنان و پیوند دینی مردم ایران»

^۸ روزنامه اعتماد، ۱۳۹۷/۳/۸، «بررسی پیوند موسیقی و مذهب، کاتولیک تر از پاپ نباشیم»

^۹ همان، ۱۳۸۸/۶/۵، «خطوط قرمز را تعیین کنید»

^{۱۰} همان، ۱۳۸۸/۷/۶، «عواقب سیاست‌های مداخله جویانه دولت در اقتصاد»

^{۱۱} همان، ۱۳۸۸/۶/۸، «گفت‌وگو با آیت‌الله بیات زنجانی: مشروعیت و مقبولیت حکومت»

^{۱۲} همان، ۱۳۹۶/۵/۲۵، «اینترگری، انحصاری نیست!»

گسست دولت - ملت انگشت نهاد و با بیان مفاهیمی چون «حق اعتراض»^۱، «اعتماد عمومی»^۲ و «ضرورت شفافیت»^۳ مسائل را بازنمایی نمود. در ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸، زبان انتقادی تری به کار گرفته شد و شکاف طبقاتی در قالب «بی توجهی به معیشت مردم»^۴ و «تمرکز قدرت اقتصادی»^۵ بیان گردید. در ۱۴۰۱، اعتماد بر «بحران ارتباط اجتماعی»^۶ و «لزوم گفت‌وگوی ملی»^۷ تأکید کرد.

در سطح خرد زبانی، اعتماد از واژگان همدلانه و گفت‌وگومدار استفاده کرده است. در سطح کلان، روایت آن بر بازسازی رابطه‌ی دولت - جامعه استوار است، و در سطح اجتماعی، هدف آن ترمیم اعتماد عمومی و جلوگیری از انباشت نارضایتی‌ها از درون نظام سیاسی است.

۴. روزنامه‌ی شرق: گفتمان بازانديشي فرهنگي و مشروعيت اجتماعي

روزنامه‌ی شرق در سال ۱۳۸۸ به جز چند شماره منتشر نمی شده است اما در سه رخداد پایانی (۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱) بیش از سایر روزنامه‌ها بر ابعاد فرهنگی و هویتی شکاف‌ها تمرکز داشته است. در این روزنامه، شکاف‌های اجتماعی نه تهدیدی برای نظام، بلکه نشانه‌ای از تحول در ارزش‌های اجتماعی و نیاز به تغییر و بازانديشي در سياست‌گذاري فرهنگي تلقی شده‌اند.

در ۱۳۹۶، شرق با تأکید بر «اعتراضات اجتماعی خودجوش»^۸ و «نسل جدید مطالبات»^۹ سعی کرد شکاف‌ها را از منظر اجتماعی و نسلی بازنمایی کند. در ۱۳۹۸، از مفاهیمی چون «عدالت اجتماعی»^{۱۰} و «اعتماد از دست‌رفته»^{۱۱} بهره گرفت و در ۱۴۰۱، با خوانش‌های نوگرایانه از دین بر «سبک زندگی»^{۱۲}، «تحول ارزش‌ها»^۱

^۱ همان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۲، «با افراد ناراضی نباید برخورد خشونت آمیز داشت»

^۲ همان، ۱۳۸۸/۶/۲۵، «گفت و گو با محمد سلامتی: منافع ملی و بازسازی اعتماد عمومی»

^۳ همان، ۱۳۸۸/۴/۳۰، «نگاهی متفاوت به آخرین انتخابات ریاست جمهوری ایران»

^۴ همان، ۱۳۹۶/۹/۴، «اعتماد شکاف درآمد و نیاز را بررسی کرد: فاصله ۲/۵ - برابری مزد و معیشت»

^۵ همان، ۱۳۹۸/۹/۱۹، «حاشیه‌های نطق پروانه سلحشوری نماینده مردم تهران در مجلس، اندکی تامل کنید»

^۶ همان، ۱۴۰۱/۷/۱۸، «با این نسل شوخی نکنید!»

^۷ همان، ۱۴۰۱/۸/۲۳، «ریشه‌های کنشگری اعتراضی جوانان»

^۸ روزنامه شرق، ۱۳۹۶/۱۰/۲۰، «آینه اعتراضات»

^۹ همان، ۱۳۹۶/۱۰/۲۶، «اصلاح طلبان در تایتانیک»

^{۱۰} همان، ۱۳۹۸/۸/۱۱، «فقر نسبی و شکاف طبقاتی»

^{۱۱} همان، ۱۳۹۸/۹/۲۷، «به بهانه ۲۷ آذر، روز جهانی منع خشونت و افراطی گری»

^{۱۲} همان، ۱۴۰۱/۷/۲۱، «نسلی که می خواهد خودش قهرمان زندگی خودش باشد»

و «گفت‌وگوی بین‌نسلی» تمرکز نموده و به تحلیل زمینه‌های فرهنگی تحولات اجتماعی پرداخت. در سطح خرد زبانی، این روزنامه از واژگان نرم، مدنی و تحلیلی استفاده کرده است. در سطح کلان، گفتمان شرق بر ضرورت تغییر و بازاندیشی در سیاست فرهنگی و اصلاح ارتباط میان نهاد قدرت و جامعه تأکید دارد. در سطح اجتماعی نیز، مطبوعات را بخشی از فرآیند اصلاح درون‌گفتمانی انقلاب اسلامی معرفی می‌کند.

۵. تحلیل کلان تطبیقی

تحلیل تطبیقی چهار روزنامه‌ی کیهان، رسالت، اعتماد و شرق در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که بازنمایی شکاف‌های اجتماعی در مطبوعات ایران، از الگوی تقابلی و سیاسی به الگوی اجتماعی و تبیینی تحول یافته است. در این فرایند، زبان رسانه‌ای از «صیانت و اقتدار» به سوی «اعتماد و بازاندیشی» حرکت کرده و حوزه‌ی معنایی شکاف‌ها از میدان سیاست به سطوح فرهنگی و اجتماعی گسترش یافته است.

روزنامه‌های کیهان و رسالت در هر چهار رخداد، شکاف‌های اجتماعی را در چارچوب گفتمان «صیانت از نظام و انسجام ملی» بازنمایی کرده‌اند. در این گفتمان، شکاف‌ها تهدیدی برای امنیت و مشروعیت سیاسی تلقی شده و واژگان کلیدی آن شامل «فتنه»، «اغتشاش»، «دشمن»، «نفوذ» و «جنگ شناختی» است. هدف اصلی این دو روزنامه، حفظ وحدت ملی و جلوگیری از فروپاشی انسجام سیاسی بوده است.

در مقابل، روزنامه‌های اعتماد و شرق، شکاف‌های اجتماعی را نشانه‌ای از نارسایی در ارتباط متقابل دولت و جامعه و تضعیف اعتماد عمومی دانسته‌اند. در گفتمان آنان، مفاهیمی چون «گفت‌وگوی ملی»، «اعتماد اجتماعی»، «حق اعتراض»، «اصلاح درون‌ساختاری» و «بازاندیشی فرهنگی» جایگاه محوری دارد. این دو روزنامه تلاش کرده‌اند تا با تبیین زمینه‌های اجتماعی نارضایتی‌ها، شکاف‌ها را نه تهدید، بلکه فرصتی برای بازسازی رابطه‌ی دولت و جامعه بازنمایی کنند.

مقایسه‌ی زمانی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۸ شکاف‌ها بیش از هر چیز ماهیت سیاسی و مشروعیتی داشتند؛ در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸، شکاف‌های طبقاتی و اقتصادی برجسته شدند؛ و در ۱۴۰۱، ابعاد فرهنگی، نسلی و هویتی به مرکز ثقل گفتمان مطبوعاتی تبدیل گردید. در این مسیر، واژگان رسانه‌ای نیز دچار دگرگونی شدند: مفاهیمی چون «فتنه»، «توطئه» و «براندازی نرم» به تدریج جای خود را

^۱ همان، ۱۴۰۲/۱/۲۷، «شکاف میان واقعیات موجود و مطالبات اجتماعی و منطبق حکمرانی»

^۲ همان، ۱۴۰۱/۲/۵، «دانشجویان خواهان حذف محدودیت‌های تحمیلی شدند»

به واژگانی چون «اعتماد عمومی»، «گفت‌وگو»، و «سبک زندگی» دادند. در مجموع، دو الگوی گفتمانی اصلی قابل شناسایی است:

❖ الگوی صیانت‌محور در مطبوعات اصول‌گرا که بر ثبات سیاسی، انسجام اجتماعی و مقابله با تهدیدات بیرونی تأکید دارد.

❖ الگوی اصلاح‌محور در مطبوعات اصلاح‌طلب که بر بازسازی اعتماد، گفت‌وگوی اجتماعی و اصلاح تدریجی درون نظام تمرکز می‌کند.

وجه مشترک هر دو الگو، دغدغه‌ی حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از گسترش بحران است؛ هرچند مسیر و زبان آن‌ها متفاوت است. بنابراین، شکاف‌های اجتماعی در مطبوعات ایران بیش از آنکه نمود گسست باشند، بیانگر «مفاهمی درون‌گفتمانی» میان دو منطق اقتدار و اصلاح‌اند. این تحول را می‌توان نمادی از حرکت تدریجی گفتمان رسانه‌ای کشور و گذار مطبوعات از بازنمایی واکنشی به بازنمایی تبیینی و مسئولانه در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی دانست.

جدول مقایسه تطبیقی شکاف‌های اجتماعی در چهار روزنامه (شاخص‌ها و رخدادها)

شاخص‌ها / روزنامه‌ها	کیهان	رسالت	اعتماد	شرق
گفتمان غالب	صیانت از نظام و انسجام ملی	عقلانیت، نظم و عدالت‌محوری	تغییر درون‌ساختاری	مشروعیت اجتماعی و بازاندیشی فرهنگی
۱۳۸۸ (شکاف سیاسی - مشروعیتی)	فتنه، براندازی نرم، سازمان‌یافته توسط دشمن	قانون‌گرایی و خویشتن‌داری نخبگان سیاسی	طرح مسئله شفافیت انتخاباتی، گسست دولت - ملت	در این سال منتشر شده است
۱۳۹۶ (شکاف اقتصادی و معیشتی)	سوء استفاده بیگانگان از اعتراضات معیشتی، نفوذ رسانه‌های دشمن	نارضایتی اقتصادی ناشی از ضعف مدیریت، قابل اصلاح با تدبیر	فشار اقتصادی و نارضایتی	خاستگاه اجتماعی اعتراضات، ناکارآمدی در سیاست‌های اقتصادی
۱۳۹۸ (شکاف طبقاتی و اجتماعی)	سوء استفاده دشمن از مطالبات اقتصادی، آشوب سازمان‌یافته	ضرورت عدالت اقتصادی و مدیریت مدبرانه	ناکامی در ارتباط دولت و جامعه، بحران معیشت	عدالت اجتماعی و شکاف دولت - ملت در سیاست‌گذاری
۱۴۰۱ (شکاف فرهنگی، نسلی و شناختی، تلاش جنگ ترکیبی، جنگ	لزوم تبیین عقلانی	تحول در سبک زندگی و حجاب	مناقشه سنت و مدرنیته، حجاب	مناقشه سنت و مدرنیته، حجاب

هویت)	دشمن برای تضعیف حجاب و ارزش‌ها	همدلی اجتماعی و ایمان عمومی	به‌مثابه مسئله اجتماعی و تضاد ارزش‌ها
الگوی زیبایی و روایی	واژگان صیانتی و مرزبندی با بیگانگان (ما/آنها)	واژگان عقلی و اخلاقی (تدبیر، عدالت)	واژگان فرهنگی و نوگرایانه از دین (نسل، هویت، تقابل شریعت و عرف)
هدف گفتمانی	حفظ انسجام ملی و مشروعیت نظام	تلفیق ثبات سیاسی با اصلاح تدریجی	بازاندیشی در سیاست فرهنگی و تعامل نسلی
نتیجه گفتمانی کلی	بازنمایی شکاف‌ها به‌مثابه تهدید امنیت ملی	شکاف‌ها به‌مثابه چالش قابل مدیریت با عقلانیت	شکاف‌ها به‌مثابه نمود تحول ارزش‌ها و سبک زندگی

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان چهار روزنامه‌ی منتخب در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که شکاف‌های اجتماعی در عرصه‌ی مطبوعاتی، صرفاً بازتاب واقعیت‌های بیرونی نبوده بلکه حاصل فرایندهای زیبایی، معنایی و چارچوب‌بندی گفتمانی‌اند. مطبوعات در این دوره نه به‌عنوان ناظر منفعل، بلکه به‌مثابه کنشگرانی فعال در میدان رسانه‌ای عمل کرده و از طریق واژگان، روایت‌ها و الگوهای معنابخشی، در بازتولید یا تعدیل شکاف‌های اجتماعی نقش ایفا کرده‌اند.

در سطح نخست، روزنامه‌های کیهان و رسالت با تکیه بر گفتمان «صیانت از نظام» و «انسجام ملی»، شکاف‌های اجتماعی را تهدیدی برای ثبات سیاسی و امنیت ملی بازنمایی کرده‌اند. در این گفتمان، رسانه در جایگاه پاسدار وحدت اجتماعی ظاهر می‌شود و با استفاده از واژگانی چون «فتنه»، «اغتشاش»، «دشمن» و «نفوذ»، مرز میان جریان‌های درون‌نظام و نیروهای بیگانه را مشخص می‌سازد. چنین رویکردی، شکاف‌ها را بیش از آنکه ناشی از پویای اجتماعی بدانند، ظرفیتی برای سوء استفاده دشمنان در عملیات نرم و ضعف آگاهی سیاسی بخشی از جامعه صورت‌بندی کرده است.

در سطح دوم، روزنامه‌های اعتماد و شرق با رویکردی اصلاحی و تغییرمحور، شکاف‌ها را نشانه‌ای از نارسایی در ارتباط دولت و جامعه و ضعف در کارکرد نهادهای سیاسی بازنمایی کرده‌اند. در این گفتمان، واژگانی چون «اعتماد اجتماعی»، «اعتراض مدنی»، «گفت‌وگوی ملی»، و «اصلاح درون‌ساختاری» جایگاه

برجسته‌ای دارد. مطبوعات این جریان کوشیده‌اند رخدادهای را در چارچوب انباشت نارضایتی‌های اجتماعی، مناقشه‌ی میان سنت و مدرنیته، و تقابل عرف و شریعت بازنمایی کنند.

مقایسه‌ی تطبیقی نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت در زبان و منطق گفتمانی، هر دو طیف مطبوعاتی در پی حفظ کلیت نظام اجتماعی و سیاسی کشور بوده‌اند. روزنامه‌های اصول‌گرا با تأکید بر محور امنیت و انسجام، و روزنامه‌های اصلاح‌گرا با تمرکز بر محور اعتماد و اصلاح، در نهایت به سوی یک غایت مشترک حرکت کرده‌اند: تثبیت ثبات و استمرار نظم اجتماعی. از این منظر، شکاف‌های اجتماعی در مطبوعات ایران بیش از آنکه نشانه‌ی گسست باشند، جلوه‌ای از گفت‌وگوی درون‌گفتمانی انقلاب اسلامی‌اند؛ گفت‌وگویی میان دو منطق مکمل - اقتدار و اصلاح.

تحلیل روند زمانی نیز بیانگر تحول تدریجی در زبان و منطق گفتمان مطبوعاتی است. در سال ۱۳۸۸، محور اصلی شکاف‌ها مشروعیت سیاسی بود، در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ شکاف‌های اقتصادی و طبقاتی برجسته شدند، و در سال ۱۴۰۱ ابعاد فرهنگی، نسلی و هویتی در کانون توجه قرار گرفتند. این تحول، گذار زبان رسانه‌ای از واژگان صیانتی به واژگان اجتماعی و تبیینی را نشان می‌دهد؛ تغییری که بیانگر حرکت از بازنمایی واکنشی به سوی بازنمایی تحلیلی و جامعه‌محور است.

از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، این روند را می‌توان نشانه‌ای از تعمیق بلوغ گفتمانی در نظام رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران دانست. مطبوعات کشور در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی، از ایفای نقش صرفاً خبری به سطحی از کنش ارتباطی آگاهانه و مسئولانه ارتقا یافته‌اند؛ سطحی که در آن رسانه‌ها ضمن پاسداشت ارزش‌ها و ثوابت نظام، در جهت تبیین عقلانی رخدادهای و ارتقای فهم عمومی از تحولات اجتماعی عمل می‌کنند. این فرایند نوعی چرخش از بازنمایی واکنشی به بازنمایی تبیینی و مسئولانه است؛ چرخشی که جایگاه مطبوعات را از ناظر صرف به کنشگر اندیشمند در منظومه‌ی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ارتقا داده است.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که مطبوعات ایران در بازنمایی شکاف‌های اجتماعی طی چهار رخداد سیاسی - اجتماعی اخیر، دو مسیر متفاوت اما مکمل را پیموده‌اند:

○ رسانه‌های اصول‌گرا با تأکید بر امنیت، ثبات و انسجام ملی، کوشیده‌اند در چارچوب گفتمان صیانت از نظام، از گسترش واگرایی جلوگیری کنند.

• رسانه‌های اصلاح‌طلب با تمرکز بر گفت‌وگو، بازسازی اعتماد و اصلاح

درون‌ساختاری، بر ترمیم رابطه‌ی دولت و جامعه تأکید داشته‌اند.

هر دو جریان مطبوعاتی در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی عمل کرده و در مجموع، نقش آن‌ها در تقویت نظم سیاسی و انسجام اجتماعی قابل ملاحظه بوده است. از این منظر، تحول گفتمانی مطبوعات ایران را می‌توان نمادی از پویایی نظام معنایی جمهوری اسلامی و بازتابی از تعامل مستمر جامعه و دولت در فرآیند بازتعریف مفاهیم مشروعیت، عدالت و هویت دانست؛ تحولی که مطبوعات را از سطح بازتاب‌گر منفعل به کنشگر فرهنگی و فکری ارتقا داده است.

از منظر نظری نیز، بر پایه‌ی نظریه‌های لیپست و روکان درباره‌ی شکاف‌های اجتماعی، بوردیو درباره‌ی میدان رسانه‌ای و سرمایه‌نمادین، و ون‌دایک در حوزه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در ایران معاصر، شکاف‌های اجتماعی را می‌توان در سه سطح ساختاری، گفتمانی و اجتماعی تبیین کرد:

۱. سطح ساختاری: منشأ شکاف‌ها در تفاوت‌های طبقاتی، نسلی، فرهنگی و مذهبی نهفته است و این تفاوت‌ها در بزنگاه‌های سیاسی به صورت گسست‌های فعال اجتماعی بروز یافته‌اند.

۲. سطح گفتمانی: رسانه‌ها به‌عنوان کنشگران نمادین، با گزینش واژگان، چارچوب‌بندی و جهت‌دهی روایت‌ها، به بازنمایی و معنابخشی این شکاف‌ها پرداخته‌اند.

۳. سطح اجتماعی: بازنمایی مطبوعاتی در شکل‌گیری ادراک عمومی از مشروعیت، عدالت، و هویت نقش‌آفرین بوده و در بازتولید یا تعدیل شکاف‌ها اثرگذار است.

مطبوعات ایران در هر سه سطح فوق، نقشی فعال در شکل‌دهی به فهم عمومی از مسائل اجتماعی ایفا کرده‌اند. بر این اساس، می‌توان گفت که تحول گفتمانی در بازنمایی شکاف‌های اجتماعی، هم‌زمان با تغییر در منطق مشروعیت، سرمایه اجتماعی، و رابطه‌ی دولت و جامعه در ایران رخ داده است.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱. تقویت سواد رسانه‌ای و تحلیل گفتمان: آموزش روزنامه‌نگاران و سردبیران برای بازنمایی متوازن واقعیت‌های اجتماعی و پرهیز از بازتولید قطبی‌سازی‌های غیرسازنده.

۲. سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر سرمایه اجتماعی: حمایت از رسانه‌هایی که در عین توجه به مطالبات جامعه، به تقویت همبستگی و نظم اجتماعی نیز می‌پردازند.

۳. توسعه‌ی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای: گسترش همکاری میان حوزه‌های جامعه‌شناسی سیاسی،

علوم ارتباطات و مطالعات رسانه برای شناسایی الگوهای نوین بازنمایی شکاف‌ها و طراحی راهکارهای کاهش آن‌ها.

۴. نگاه فرصت‌محور به تنوع گفتمانی: بهره‌گیری از تکثر رسانه‌ای به‌عنوان بستری برای گفت‌وگو، تفاهم اجتماعی و ارتقای فهم متقابل در شرایط بحران.

منابع

بشیر، حسن؛ حاتمی، حمیدرضا (۱۳۹۲). تحلیل گفتمان سرمقاله‌های کیهان، اطلاعات و جمهوری اسلامی درباره حوادث پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲(۶۱)، ۶۱-۸۸. دمیرچی، حسین صابر؛ ذوالفقاری، ابوالفضل؛ باقری‌بنجار، عبدالرضا (۱۳۹۶). بازنمایی جامعه مدنی در مطبوعات ایران: تحلیل گفتمان جامعه مدنی در مطبوعات ایران ۱۳۸۸-۱۳۹۳. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۴(۹)، ۹۰-۶۵.

کیهان، رسالت، اعتماد و شرق (۱۳۸۸-۱۴۰۱). مجموعه‌ای از سرمقاله‌ها، گزارش‌ها و یادداشت‌های تحلیلی مرتبط با چهار رخداد سیاسی - اجتماعی (۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱) که به‌عنوان داده‌های میدانی پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در ادامه، نمونه‌هایی از داده‌های مورد استفاده در تحلیل گفتمانی آورده شده است:

روزنامه کیهان، ۱۳۸۷/۱۶، «ساختار و سازمان فتنه اخیر»

همان، ۱۳۹۸/۱/۲۲، «تیغ دولت اصلاحات بر گلوی دیانت»

همان، ۱۳۸۷/۱۱/۱، «جزئیات تازه از فعالیت شبکه براندازی نرم»

همان، ۱۳۹۶/۳۰، «شکاف طبقاتی به بدترین وضعیت دهه اخیر رسید»

همان، ۹۸/۱۱/۲۴، «بازار محتاج نظارت؛ دولت همچنان مشغول حاشیه‌سازی»

همان، ۱۳۹۸/۱۰/۴، «برنامه بلوا حتی به قیمت جان ۱۵۰ هزار نفر»

همان، ۱۴۰۱/۲/۲۰، «مشکل فضای فرهنگی - اجتماعی ما کجاست؟»

همان، ۱۴۰۱/۲/۳۱، «تاثیر امروز ایران با فرهنگ دینی چه نسبتی دارد؟»

همان، ۱۳۹۸/۲/۱۴، «صف مبارزه با جمهوری اسلامی و شیر تو شیر سکولاریسم سیاسی»

روزنامه رسالت، ۱۳۸۷/۱۲/۲۲، «ابهام مفهومی و تناقض تحلیلی»

- همان، ۱۳۹۸/۸/۲۸، «اعتراض قربانی آشوب»
- همان، ۱۳۸۸/۳/۲۱، «انتخابات و خیر عمومی»
- همان، ۱۳۹۶/۱۲/۱۵، «برای مدیریت فضای مجازی چه کرده‌ایم»
- همان، ۱۳۹۶/۵/۱، «لزوم تغییر اساسی در نحوه کنش جریان اصولگرایی»
- همان، ۱۳۹۸/۳/۲۴، «بازخوانی تحولات دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری»
- همان، ۱۳۹۸/۲/۶، «توبه سران فتنه»
- همان، ۱۳۸۷/۱۲/۴، «طرح تحول اقتصادی شکاف طبقاتی را کاهش می‌دهد»
- همان، ۱۴۰۱/۹/۲۶، «پابندی به ارزش حجاب جزئی از هویت نهضت اسلامی است»
- همان، ۱۴۰۱/۵/۹، «حجاب زنان و پیوند دینی مردم ایران»
- روزنامه اعتماد، ۱۳۹۷/۳/۸، «بررسی پیوند موسیقی و مذهب، کاتولیک تر از پاپ نباشیم»
- همان، ۱۳۸۸/۶/۵، «خطوط قرمز را تعیین کنید»
- همان، ۱۳۸۸/۷/۶، «عواقب سیاست‌های مداخله‌جویانه دولت در اقتصاد»
- همان، ۱۳۸۸/۶/۸، «گفت و گو با آیت‌الله بیات زنجانی: مشروعیت و مقبولیت حکومت»
- همان، ۱۳۹۶/۵/۲۵، «ایثارگری، انحصاری نیست!»
- همان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۲، «با افراد ناراضی نباید برخورد خشونت‌آمیز داشت»
- همان، ۱۳۸۸/۶/۲۵، «گفت و گو با محمد سلامتی: منافع ملی و بازسازی اعتماد عمومی»
- همان، ۱۳۸۸/۴/۳۰، «نگاهی متفاوت به آخرین انتخابات ریاست جمهوری ایران»
- همان، ۱۳۹۶/۹/۴، «اعتماد شکاف درآمد و نیاز را بررسی کرد: فاصله ۵/۲- برابری مزد و معیشت»
- همان، ۱۳۹۸/۹/۱۹، «حاشیه‌های نطق پروانه سلحشوری نماینده مردم تهران در مجلس، اندکی تامل کنید»
- همان، ۱۴۰۱/۷/۱۸، «با این نسل شوخی نکنید!»
- همان، ۱۴۰۱/۸/۲۳، «ریشه‌های کنشگری اعتراضی جوانان»
- روزنامه شرق، ۱۳۹۶/۱۰/۲۰، «آینه اعتراضات»
- همان، ۱۳۹۶/۱۰/۲۶، «اصلاح طلبان در تایتانیک»
- همان، ۱۳۹۸/۸/۱۱، «فقر نسبی و شکاف طبقاتی»
- همان، ۱۳۹۸/۹/۲۷، «به بهانه ۲۷ آذر، روز جهانی منع خشونت و افراطی‌گری»
- همان، ۱۴۰۱/۷/۲۱، «نسلی که می‌خواهد خودش قهرمان زندگی خودش باشد»

همان، ۱۴۰۲/۱/۲۷، «شکاف میان واقعیات موجود و مطالبات اجتماعی و منطق حکمرانی»

همان، ۱۴۰۱/۲/۵، «دانشجویان خواهان حذف محدودیت‌های تحمیلی شدند»

- Bourdieu, P., Thompson, J., & Raymond, G. (2003). *Language and Symbolic Power*. Cambridge, UK: Harvard Univ. Press.
- Braun, V., & Clarke, V. (2022). *Thematic analysis: a practical guide*. Los Angeles London New Delhi Singapore Washington DC Melbourne: SAGE.
- Castells, M. (2013). *Communication Power*. Oxford: Oxford University Press.
- Cinelli, M., De Francisci Morales, G., Quattrociocchi, W., & Starnini, M. (2021, 3 2). The echo chamber effect on social media. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 118(9), e2023301118. doi:10.1073/pnas.2023301118
- Fairclough, N. (2023). *Critical discourse analysis*. The Routledge Handbook of Discourse Analysis Abingdon, Oxon ; New York, NY, USA: Routledge.
- Giddens, A. (2009). *Sociology*. Cambridge: Polity Press.
- Habermas, J. (2011). *The structural transformation of the public sphere: an inquiry into a category of bourgeois society*. Cambridge: Polity.
- Huntington, S. (2011). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. New York: Simon & Schuster.
- Lincoln, Y., & Guba, E. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Beverly Hills: CA: Sage.
- Lipset, S., & Rokkan, S. (1967). *Party Systems and Voter Alignments: Cross-National Perspectives*. New York: Free Press.
- McCombs, M., & Valenzuela, S. (2021). *Setting the agenda: the news media and public opinion*. Cambridge, UK Medford, MA: Polity.
- McQuail, D. (2010). *McQuail's Mass Communication Theory*. London: Sage.
- Norris, P., & Inglehart, R. (2019). *Cultural backlash: Trump, Brexit, and the rise of authoritarian populism*. Cambridge: Cambridge university press.
- Patton, M. Q. (2015). *Qualitative Research & Evaluation Methods*. Thousand Oaks: CA: Sage.
- Putnam, R. (2007). E Pluribus Unum: Diversity and Community in the Twenty-First Century. *Scandinavian Political Studies*, 30(2), 137-174.

- Ritchie, J., Lewis, J., McNaughton Nicholls, C., & Ormston, R. (2014). Qualitative Research Practice: A Guide for Social Science Students and Researchers. London: Sage.
- Tilly, C. (2004). Social movements, 1768-2004. Boulder: Paradigm Publishers.
- Van Dijk, T. (2008). Discourse and Context: A Sociocognitive Approach. Cambridge: Cambridge University Press.